



حوضه های آبریز اصلی
در افغانستان

تاریخ به نفع مردم افغانستان و با نیت توسعه افغانستان نبوده، بلکه نفوذ و بهره کشی از منابع و منافع افغانستان بوده و هست.

نکته آخر اینکه سد کمال خان و سلما با وجود هشدارهای زیاد کارشناسان از جمله بنده از سال ۹۵ افتتاح و تبعاتش دامنگیر ایران شد، اما مسأله مهم‌تر از کمال خان و سلما این است که افغانستان در بالادست سیستم روی یکی از سرشاخه‌های حوضه آبریز هیرمند به نام فراه‌رود، در حال احداث سدی به نام بخش آباد است؛ سدی که ۸۰ درصدش در زمان اشرف غنی تکمیل شده و اگر تبعاتی بیشتر از کمال خان نداشته باشد، قطعاً و بلاشک تبعاتی کمتر نخواهد داشت. تکمیل بخش آباد در کنار بهره‌برداری از کمال خان می‌تواند چالش‌های بسیار گسترده‌ای برای تمدن شش هزار ساله سیستم ایجاد کند. در حالی که طبق اصول عرفی نظام حقوق بین‌الملل ایران از رودخانه فراه‌رود حقا به محیط زیستی دارد. امیدواریم این‌طور نشود که مشابه کمال خان افتتاح و آبگیری شود و بعد از مشخص شدن تبعاتش تازه به فکر این بیفتیم که با او چه کنیم. در پایان باید تأکید کنم که بر خلاف تصور عمومی، مسائل و مشکلات محیط زیستی و آبی مرزهای سیاسی انسان‌ساز را به رسمیت نمی‌شناسند.

ایران و افغانستان راهی جز نگاه به سیستم بزرگ و توسعه هم‌زمان در سیستم بزرگ ندارند. شناخت فرصت‌ها و چالش‌های سیستم بزرگ و دو طرف مرز و استفاده از ظرفیت‌های هر بخش می‌تواند نفعش برای ساکنان دو طرف مرز و رودخانه بوده و پایداری را برای دو کشور به ارمغان بیاورد در غیراین صورت، دود و گردوغبار و چالش‌ها و تبعات این بخشی‌نگری دامنگیر مردم و سپس سیاستمداران دو کشور خواهد رفت.